

چگونه با ایده‌های خلاقانه در شبکه‌های اجتماعی، جامعه را کتابخوان کنیم؟

هر ایرانی، یک کتاب



نسبت به این موقعیت داشت، بلکه باید از مواهب و دستاوردهای آن به شکل جدی استفاده کرد. روی سخن من این است که می‌توانیم با طرح‌ها و ایده‌های خلاقانه و مبتکرانه و بدون پشتوانه دولتی و حکومتی و با حضور در شبکه‌های اجتماعی، نسبت به ترویج کتابخوانی تلاش کنیم. سخنم را قدری واضح‌تر بیان می‌کنم تا ابعاد دیگری از آن برای ما روشن شود. همه‌گیری استفاده از موبایل که بر اساس آمارهای اعلام شده، بیش از ۵۰ میلیون دستگاه موبایل در دست مردم است؛ خود وسیله و ابزار مهمی برای این هدف است.

شاید بگویید که همین الان هم در شبکه‌های اجتماعی، بسیاری از ناشران و مؤلفان و مترجمان حضور دارند و درباره کتاب‌ها صحبت می‌کنند و حتی نسبت به فروش آن اقدام می‌کنند و دسترسی به کتاب، بسیار سهل‌تر از گذشته شده و شما در هر جای کشور باشید، می‌توانید کتاب مورد نظر را خریداری کنید و حتی طرح‌هایی تبلیغاتی از سوی خانه کتاب، مانند فروش فصلی و نمایشگاه مجازی کتاب و اهدای یارانه نیز دسترسی به کتاب را ساده‌تر از گذشته کرده است.

اما روی سخن من تبلیغ و دسترسی به کتاب نیست، بلکه ترویج فرهنگ کتابخوانی به مثابه میل به دانستن است. اگر میل به دانستن در کشوری فروکش کند، قطعاً لطامات جدی به تمامی سطوح آن وارد می‌آید و در این باب بسیار سخن گفته شده و قصد ندارم درباره آن صحبتی کنم، بلکه دقیقاً تمرکز صحبت من روی ترویج کتابخوانی با توجه ویژه به میل به دانستن است. ما می‌توانیم با ایجاد کمپین‌های مختلف و مبتکرانه و حتی با هشتک‌های خاصی در شبکه‌های اجتماعی، ذهن‌ها را به کتابخوانی متوجه کنیم. شبکه‌های اجتماعی به واسطه گستردگی و وسعتی که دارند و تنوعی که در جذب مخاطب و سلاقی مختلف وجود دارد، می‌توانند در این هدف کمک کننده باشند.



• منوچهر دین‌پرست

توسعه شبکه‌های اجتماعی کتابخوانی، امروزه در کشورهای مختلف دنیا طی سال‌های گذشته، رونق بیشتری گرفته‌اند.

در بسیاری از این شبکه‌ها، کاربران می‌توانند کتاب‌های مورد علاقه و خوانده شده را در جملاتی کوتاه و مختصر و حتی ویدیوهای چند دقیقه‌ای با مخاطبان به اشتراک بگذارند. آنها می‌توانند کتاب‌هایی را که حتی قصد خواندن آن را دارند، با کاربران به صورت همگانی به اشتراک بگذارند و نظرات و دیدگاه‌های مختلف نسبت به آن کتاب را جویا شوند.

این ایده می‌تواند افرادی را که آن کتاب را نخوانده‌اند، نسبت به مطالعه آن با هدف میل به دانستن ترغیب کند. اگرچه استفاده از پادکست‌ها و ویدیوها در جذب کاربران نقش جدی در شبکه‌های اجتماعی ایفا می‌کند و آنان را نسبت به بسیاری از کتاب‌ها آگاه می‌کند، اما باید توجه داشت که هدف ما اینجا فروش یا تبلیغ کتاب نیست که از سوی بسیاری از ناشران با شیوه‌ها و متدهای مختلف انجام می‌شود و ما نیز نسبت به آن دیدگاه منفی و بازدارنده نداریم و آن را هم در جای خود بسیار مهم و مثبت ارزیابی می‌کنیم. همانطور که اعلام شد، ترویج فرهنگ کتابخوانی با تاکید بر میل به دانستن هدف جدی ماست.

به خوبی می‌دانیم که شبکه‌های اجتماعی کتاب و کتابخوانی، بسته به سطح مخاطب، از لحاظ چگونگی خدمات، انواع مختلفی دارند. روشن است که یک شبکه اجتماعی کتاب در جامعه کتابخوان، با توجه به دغدغه‌ها و نیازهای متفاوت مخاطبان با جوامع دیگر تفاوت‌هایی خواهد داشت.

همچنین به لحاظ اهداف حرفه‌ای هم شاهد شبکه‌های اجتماعی با کارکرد متفاوت هستیم، اما جامعه‌ای که فرهنگ کتابخوانی در آن ضعیف است، باید ایده‌هایی را در آن محقق کرد که به مثابه موتور محرکه‌ای باشد که کتابخوانان بتوانند حتی روزی اگر تمایل داشتند، خود به تولیدکنندگان کتاب اعم از نویسندگان و مترجمان تبدیل شوند.

در چنین جامعه‌ای که آرمانی هم نیست، من پیشنهاد «هر ایرانی یک کتاب» را می‌دهم. می‌توانیم با هشتک #هر-ایرانی-یک-کتاب، جامعه را به سوی ایده‌ای سوق دهیم که همه افراد سرزمین، خود نه فقط کتابخوان باشند، بلکه مروج کتاب و تولیدکننده کتاب نیز هم. اگرچه در نگاه اول، این ایده خام‌اندیشانه و حتی جاه طلبانه به نظر بیاید و تحقق آن ناممکن باشد، اما اگر بتوانیم از دریای کتاب به جای یک سطل، دهها سطل آب برداریم، ما برنده هستیم.

اگر حتی همه نتوانند کتاب بخوانند و بنویسند، اما می‌توانیم به روزی برسیم که در خانه هر ایرانی حداقل یکی از اعضای آن خانواده، خود به کتاب علاقه مند جدی باشد و دیگر اعضا را به مطالعه تشویق کند و حتی خود صاحب اثری باشد.

در این صورت، گام بزرگی در چارچوب ترویج و تثبیت کتابخوانی در کشور برداشته ایم و بی‌گمان این بار می‌توانیم با افتخار بگوییم که ما سرزمینی کهن و صاحب فرهنگ زندگی می‌کنیم که سرانته مطالعه مردم آن واقعا جای افتخار دارد.

به مناسبت هفته دفاع مقدس

سفر به روزهای جنگ



محمد رضا حیدرآده

روز ۳۱ شهریور، مصادف با آغاز چهل و سومین سالگرد هفته دفاع مقدس است تا بار دیگر حماسه سازی فرزندان این سرزمین در طول هشت سال جنگ تحمیلی، مورد بازنگری قرار گیرد. یکی از دست‌آوردهای این جنگ هم ادبیات دفاع مقدس است که در آن با دریایی از آثار داستانی و خاطرات رزمندگان جبهه‌ها مواجهیم. از جمله این آثار، کتاب «سفر به روزهای جنگ» (خاطرات تیمسار سیدحسام هاشمی)، نوشته سعید علایمان است که توسط انتشارات خط مقدم منتشر شده است.



«سیدحسام هاشمی» را بیشتر همراه با سرهنگ صیاد شیرازی می‌شناسند. آن دو با هم دوران انقلاب، جنگ با ضدانقلاب در کردستان و هشت سال جنگ تحمیلی را سپری کردند. دوستی و برادری بی‌کی تا ۲۱ فروردین ۱۳۷۸ و شهادت صیاد شیرازی ادامه داشت. آنها ساعت ۹ صبح همان روز با هم قرار داشتند، اما ساعت هشت صبح، خبر شهادت صیاد شیرازی را به هاشمی دادند.



سیدحسام هاشمی در سال ۱۳۴۶ وارد دانشکده افسری و مهر ۱۳۴۹ با درجه ستوان دومی فارغ‌التحصیل و در رسته توپخانه ارتش مشغول خدمت شد. وی و افسران هم‌دوره‌شان در دوران انقلاب، نقش پررنگی در شناسایی و جذب افسران و سازماندهی فرماندهان مذهبی و انقلابی در بدنه ارتش شاهنشاهی داشت و پس از انقلاب در هشت سال جنگ تحمیلی هم در رده‌های فرماندهی گردان، تیپ، لشکر و قرارگاه‌های مقدم نیروی زمینی ارتش خدمت کرد.

خاطرات او از حوادث بعد از انقلاب، به جنگ و عملیات آژادسازی جاده سندج به مریوان و چگونگی مجروح شدنش می‌رسد. در بیمارستان ۵۰۲ ارتش بستری و ۷۵ درصد استخوان‌های پای راستش خرد شده بود. او در این مدت، اخبار را از طریق رادیو و مسائل ارتش را از طریق دوستان دنبال می‌کرد. پس از یک ماه نیز از بیمارستان مرخص شد. او روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به ستاد نیروی زمینی رفت. تازه نماز ظهر و عصر را خوانده بود که صدای آژیر خطر به صدا درآمد و خبر حمله هواپیماهای عراق به فرودگاه پخش شد. جنگی ناخواسته شروع شده بود...

«سعید علایمان» متولد سال ۱۳۳۴ در تهران است. در فروردین ۱۳۶۰ حرفه روزنامه نگاری را در روزنامه جمهوری اسلامی شروع کرد که تا سال ۱۳۶۸ ادامه یافت. او در این مدت، صفحه جبهه و جنگ را در آن روزنامه اداره می‌کرد و به عنوان خبرنگار در جبهه‌ها حضور یافت. علایمان در مهر ۱۳۶۷ در میان هنرمندان برگزیده هشت سال دفاع مقدس، لوح زرین پیام امام خمینی، دیپلم افتخار و نشان یادبود مجتمع هنر و ادبیات دفاع مقدس را در رشته خبرنگاری دریافت کرد. وی همچنین در پانزدهمین جایزه جلال آل احمد (بخش مستندنگاری شهید قاسم سلیمانی) به خاطر نگارش این کتاب، موفق به کسب جایزه شد. از دیگر آثار علایمان می‌توان به کتاب‌های «ملاقات در فکه»، «دارس‌اوین» و «مسافران وطن» اشاره کرد.

در بخشی از کتاب «سفر به روزهای جنگ» می‌خوانیم: با شروع عملیات فاو از ما خواسته شد برای پشتیبانی از عملیات «الفجر ۸» هرچه زودتر عملیاتی در منطقه سلیمانیه عراق داشته باشیم. از طرف صیاد شیرازی برای ارائه گزارش به تهران و ملاقات با آقای هاشمی رفسنجانی رفتیم. از روی نقشه شرحی از کارهای انجام شده به ایشان دادم...